

نویسنده: منیب میر «Moneeb Mir»
منبع و تاریخ نشر: کریدل «2023-01-18»
برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

برای "شکست دادن" تروریسم، پاکستان باید بایدئولوژی ریشه دار خود مقابله کند

**To 'defeat' terrorism, Pakistan must counter its
entrenched ideology**

بخشی از راه حل مبارزه چند دهه پاکستان علیه تروریسم، مقابله با ذهنیت نهفته
در پشت آن است .

**Part of the solution to Pakistan's decades-long struggle against terrorism is to
confront the embedded mindset behind it.**



عکاسی توسط کریدل

حملات تروریستی در پاکستان از زمانی که تحریک طالبان پاکستان - (TTP) طالبان پاکستانی -
آتش بس خود را در نوامبر 2022 لغو کرد، افزایش یافته است .

بر اساس گزارش موسسه مطالعات درگیری و امنیتی پاکستان (PICSS)، دسامبر با 49 حمله
که منجر به کشته شدن 56 نفر از جمله 32 پرسنل امنیتی شد، مرگبارترین ماه برای این کشور در

بیش از یک دهه گذشته بود. ستیزه جویان سال گذشته 376 حمله تروریستی را انجام دادند که در آن (533) نفر کشته و (832) نفر دیگر زخمی شدند.

افزایش چشمگیر خشونت منجر به درخواست از دولت برای اتخاذ اقدام قوی علیه TTP، که یک گروه تروریستی ممنوع است - و یک سازمان تحت پوشش میزبان انواع گروه های شبه نظامی اسلام گرا است که در امتداد مرز افغانستان و پاکستان فعالیت می کنند.

با این حال، بسیاری در پاکستان درک نمی کنند که تحریک طالبان پاکستان، که رهبر آن با طالبان افغانستان بیعت کرده است، فقط یک سازمان نیست، بلکه یک ایدئولوژی است که عمیقاً در تاریخ نسبتاً کوتاه این کشور ریشه دوانده است.

تحریک طالبان پاکستان منعکس کننده یک مشکل ریشه دار ستیزه جویی است که در دوران جنگ سرد، زمانی که گروه های مجاهدین تحت حمایت غرب در مبارزه با شوروی در افغانستان حمایت میشدند، ایجاد شد. اگرچه این گروه عمدتاً در افغانستان فعالیت می کند، اما در برخی مناطق پاکستان بقا یافته دارد و این طرز فکر ستیزه جویان نه طالبان پاکستانی باعث پیدایش گروه هایی مانند تحریک طالبان پاکستان شده است.

پس از حمله انتحاری در اسلام آباد در « 24 » دسامبر (2022)، **عبدالباسط** تحلیلگر پاکستانی در توئیتری درباره این حمله اظهار داشت:

«یک چیز رایج در این حملات این است که آنها به ماهیت داخلی حملات تروریستی اشاره می کنند. برخی از آنها به صورت خارجی فعال هستند، که شبکه های اصلی در داخل پاک هستند به عنوان مثال، برای بمب گذاری های خودرو و تدارک موتورسیکلت ها، و مدیریت کارشناسان مواد منفجره، و عواملان بیشتر نارامی ها در پاکستان هستند.»

"شبه نظامیان همفکر"

رحیم الله یوسف زی، تحلیلگر ارشد سیاسی و امنیتی پاکستان می نویسد: زمانی که تحریک طالبان پاکستان در سال 2007 تشکیل شد، صرفاً "اتحادی از شبه نظامیان همفکر مختلف" بود. این گروه در مواقعی به دلایل مختلف دچار شکستگی شده و انشعابات آن کاملاً مستقل عمل کرده است.

هنگامی که در سال 2020، (TTP) تجدید حیات را تجربه کرد، این مهم نتیجه آن نبود که این گروه دوباره به یک واحد متحد و منسجم تبدیل شود.

در عوض، این گروه بندی مجدد از گروه های انشعابی مختلف «همفکر» بود، با افزودن برخی دیگر از گروه های تروریستی فرقه ای که در سرزمین اصلی پاکستان تسلط دارند. احیای مجدد این گروه توسط رهبر جدید تحریک طالبان پاکستان، **نور ولی محسود**، که گمان می رود معمار اصلی این احیاء است، رهبری شد و علناً حمایت خود را از طالبان افغانستان اعلام کرده است.

افزایش اخیر تروریسم در این کشور باعث ترس و نگرانی گسترده پاکستانی ها شده است که بین سال های {2007 تا 2015} و «جنگ علیه تروریسم» بیش از (70000) نفر را در حملات تروریستی مرگبار از دست دادند.

در سال های پس از (2016)، ارتش پاکستان عملیات های گسترده ای را برای سرکوب تحریک طالبان پاکستان آغاز کرد که به طور موقت فعالیت های تروریستی را متوقف کرد. با این حال، ظهور

مجدد تروریسم با قدرت مجدداً نشان می‌دهد که عملیات نظامی به تنهایی برای ریشه‌کنی کامل این مشکل کافی نبود.

مبارزه با یک ایدئولوژی

سال گذشته، دولت تلاش کرد تا با وارد شدن به مذاکره با این گروه، موضوع را از نظر سیاسی حل کند. با پایان یافتن آتش‌بس که در جریان مذاکرات از سوی دو طرف رعایت می‌شد، گفتگوها شکست خورد.

اسلام‌آباد به راه‌حلی ساده برای مشکل جاری امیدوار بود، اما آشکارا رویکرد پیچیده‌تر و چندوجهی برای رسیدگی به این موضوع مورد نیاز است یا که بود. تحریک طالبان پاکستان را نباید به عنوان یک نهاد متمرکز و منسجم که می‌تواند به طور دسته‌جمعی در زندگی غیرنظامی و سیاسی ادغام و از کار انداخته شود، تلقی کرد. این امر به ویژه زمانی صدق می‌کند که سازمان مبارز در درجه اول به عنوان نماینده یک ایدئولوژی شناخته شود.

جسیکا استرن و جی ام برگر، در کتاب داعش: دولت ترور، استدلال می‌کنند که گروه‌های افراطی و تروریستی که یک طرز فکر خاص را نمایندگی می‌کنند، محو می‌شوند. با این حال، زمان فوق‌العاده زیادی طول می‌کشد تا آنها به طور کامل از بین بروند.

به عنوان مثال، آنها به **کو کلوکس کلان (KKK)**، یک سازمان تروریستی نژادپرست در ایالات متحده اشاره می‌کنند که نشان‌دهنده ایدئولوژی برتری طلبانه سفیدپوستان است. KKK با یک جنبش نئونازی نژادپرستانه خشن‌تر و افراطی در دهه‌های (80 و 90) جایگزین شد.

علیرغم این واقعیت که سازمان تروریستی دیگر مرکز ثقل جنبش برتری طلبی سفیدپوستان نیست، نه وجود خود را از دست داده و نه از توطئه و خشونت دست کشیده است. مثال KKK نشان می‌دهد که یک ایدئولوژی می‌تواند دست‌نخورده باقی‌ماند، با گذشت زمان دوباره جوانه‌بزند و نیازی به محدود ماندن به یک گروه خاص نداشته باشد.

این امر در غرب آسیا نیز رخ داده است، جایی که شاهد ظهور چندین تجسم سلفی‌گری مبارز - از مجاهدین گرفته تا القاعده تا داعش - و اخیراً، دولت اسلامی - استان خراسان (ISIS-K) که در افغانستان به عنوان داعش شناخته می‌شود، رخ داده است.

پیامدهای همکاری

داعش خراسان مسئول تعدادی از حملات تروریستی در پاکستان از جمله حمله اخیر به مأموریت پاکستان در کابل و حمله ویرانگر به مسجد شیعیان در پشاور در مارس 2022 بوده است که منجر به کشته شدن 66 نفر شد.

ISIS-K «داعش خراسان» دارای آرزوهای جهانی و پایگاه پشتیبانی است که فراتر از مرزهای دولتی است. فعالیت‌های آن احتمالاً پیامدهای فرامنطقه‌ای خواهد داشت که نه تنها به پاکستان بلکه به سایر کشورهای آسیای غربی و مرکزی نیز آسیب می‌رساند.

آنچه به ویژه نگران‌کننده است این است که داعش خراسان با تحریک طالبان پاکستان ارتباط دارد و بسیاری از فرماندهان آن قبلاً در صفوف تحریک طالبان پاکستان خدمت کرده‌اند. هر دو گروه

توانایی خود را برای انجام حملات تروریستی به طور قابل توجهی افزایش داده اند، به ویژه پس از بازگشت طالبان افغان به قدرت در افغانستان .

به طور مشابه، این گروه با القاعده ارتباط داشته است: به عنوان مثال، **عاصم عمر**، فرمانده سابق تحریک طالبان پاکستان (اکنون متوفی)، به عنوان امیر القاعده در شبه قاره هند (AQIS) معرفی شد. این نگرانی‌ها را افزایش می‌دهد که حتی اگر تحریک طالبان پاکستان از هم بپاشد، عناصر شبه نظامی می‌توانند به دیگر گروه‌های تروریستی منطقه‌ای و جهانی بپیوندند تا دوباره خود را تقویت کنند و به عملیات‌های تروریستی در داخل پاکستان ادامه دهند .

در آوریل 2021، تحریک طالبان پاکستان علناً حمایت خود را از جناحی از فرقه بارلوی به نام **تحریک لیبیک پاکستان (TLP)** که به عنوان یک حزب سیاسی نیز ثبت شده است، ابراز کرد . رهبری TLP به دلیل مسدود کردن راه‌های اصلی کشور، ایراد سخنانی های ضد دولتی و تحریک خشونت از طریق پایگاه بزرگ پیروان خود بدنام است .

در سال 2018 بیش از 100 نفر از اعضای TLP دستگیر و به اتهام فتنه و تروریسم در دادگاه‌های ویژه ضد تروریسم متهم شدند. حمایت تحریک طالبان پاکستان از یک حزب سیاسی که ایدئولوژی آنرا به اشتراک می‌گذارد، به علاوه تمایل به اجرای نسخه خود از قوانین شریعت در کشور، امکان همگرایی این طرز فکر را در آینده افزایش می‌دهد .

می‌توان استدلال کرد که تحریک طالبان پاکستان، که یک سازمان چتری برای گروه‌های مختلف افراطی مسلح است، منعکس کننده یک مشکل ریشه دار ستیزه جویانه است که پتانسیل آن را دارد که به طرق مختلف تجلی یا بد - تغییر نام تجاری تحت نام‌ها و نمادهای مختلف در آینده - حتی اگر سازمان TTP فعلی منحل هم شود.

نفوذ طالبان افغانستان

مذاکرات بین دولت پاکستان و تحریک طالبان پاکستان تحت نظارت طالبان افغانستان انجام شد . پاکستان افغانستان را تحت فشار قرار داده است تا اقدامات شدیدی را علیه پناهگاه‌های TTP در افغانستان انجام دهد، اما همدردی طالبان افغانستان نسبت به تحریک طالبان پاکستان با شکست آنها در انجام هر گونه اقدام معنادار آشکارتر شده است .

با توجه به اینکه هر دو گروه دارای ذهنیت ایدئولوژیک یکسانی هستند و در مقابله با دولت قبلی کابل و نیروهای خارجی در افغانستان همکاری کرده اند، بعید است که طالبان افغانستان علیه تحریک طالبان پاکستان اقدامی انجام دهند، زیرا ممکن است بخواهند از چنین گروه‌هایی به عنوان ابزار چانه زنی علیه اسلام‌آباد استفاده کنند .

بی‌ثباتی در حال تحول در افغانستان تاکنون پاکستان را تحت تأثیر قرار داده است، اما احتمالاً این بی‌ثباتی به سایر مناطق منطقه نیز سرایت خواهد کرد. جریان رایزنی‌های فرمت مسکو در نوامبر 2022، کشورهای منطقه از جمله ایران، چین، روسیه و پاکستان از دولت طالبان خواستند تا برای ریشه کن کردن تروریسم تلاش کند و راه را برای یک دولت فراگیر در کشور هموار کند .

شکست دادن عامل تروریسم

از آنجایی که اقتصاد افغانستان در وضعیت وخیمی قرار دارد، همچنان که عامل اصلی افزایش بی‌ثباتی در کشور است. **چین** اخیراً در تلاش برای کاهش مشکلات اقتصادی خود قرارداد استخراج

نفت با این کشور امضا کرده است. این توافق تنها چند هفته پس از حمله به مقامات **چینی** در کابل انجام شد. اگرچه **پکن** هنوز به طور رسمی حکومت طالبان را به رسمیت نشناخته است، اما تأثیر مستقیم یک افغانستان ناپایدار بر پروژه ابتکار کمربند و جاده (BRI) و امنیت ملی خود را درک می کند. پاکستان باید بپذیرد که گفت و گو با ستیزجویان برای دستاوردهایی که دولت در طول سال‌ها مبارزات نظامی خود علیه آنها به دست آورده، معکوس است. یک افغانستان بی ثبات با پناهگاه های امن تروریست ها که به پاکستان آسیب می زند یک واقعیت است، اما بخش مهمی از مشکل، ذهنیت عمیقی است که این کشور را در نتیجه آشفتگی های تاریخی منطقه ای گرفتار کرده است. بنابراین، دولت باید به جای هدف قرار دادن صرفاً نمادهای آن، بر رسیدگی به علل اساسی مشکل تمرکز کند.

چند سطر در مورد نویسنده این مقاله :

مونیب که در 21 جولای 2000 به دنیا آمد، در سال 2022 ؛ 22 ساله خواهد شد. او در یک خانواده ثابت مسیحی کانادایی به دنیا آمد و بزرگ شد. او به ملیت کانادایی تعلق دارد و مسیحیت دارد. او تحصیلات ابتدایی خود را در دبیرستانی نزدیک در کانادا به پایان رساند. پس از آن، او خود را در یک دانشگاه خصوصی مجاور در کانادا ثبت نام کرد و سرانجام در آنجا مدرک خود را گرفت. او همان رویای دوران کودکی خود را داشته است که در کانادا یک سلبریتی شناخته شده یا مخاطب رسانه های اجتماعی باشد.



مونیب

----- **با تقدیم سلامها «2023-01-19»**